

زن، عاشوری مهر از کوثر

گازتبه تخصصی حوزه زنان

شماره دهم / آذر ماه ۱۴۰۴

سرکار خانم زهرا غفور زاده:

زنی با مبارزه هنرمندانه

زن؛ آرامشی که از آغوشش فردا متولد میشود

از منطق مالکیت تا منطق محبت

مقاومت فاطمی، راهبرد زنان فلسطینی

مصاحبه با دکتر صغری عاشوری

خانه‌داری؛ عبادت بی‌نام در محراب زندگی



انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی جهرم
(دفتر تحکیم وحدت)

شنا سنامه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فاطمه سادات رضوی

سر دبیر: ریحانه شایان

هیئت تحریریه:

سیده حدیث مصباح

رضا همواره جهرمی

زهرا قرقانی

یگانه کشتکار

ریحانه شایان

کارشناس مهمان:

سرکار خانم صغری عاشوری

دانشجوی دکتری مطالعات زنان و خانواده

نویسنده مهمان: سرکار خانم زهرا غفورزاده

ویراستار: نگین جوادیان

طراح جلد و صفحه آرا: مبینا مرتجز

سخن سردبیر

در دیدار اخیر بانوان سرافراز کشور با مقام معظم رهبری، بار دیگر یادآوری شد که زن، نباید همواره صرفاً کارگزار خانه تلقی شود، بلکه «مدیر و رئیس خانه» است.

ایشان تأکید کردند: خانه‌داری و مسؤولیت مدیریت خانه، از والاترین و حساس‌ترین نقش‌هایی است که زن بر دوش می‌کشد؛ نقشی که بهره‌مندی از کرامت، عزت و احترام ذاتی زن را می‌طلبد. خانه، عرصه نبرد نیست، بلکه مهد آرامش، تربیت و هویت است؛ جایی که زن با حضور خویش، مصنوعیت را جاری می‌سازد، اخلاق را در بطن زندگی جا می‌اندازد و سنگ بنای «نسل‌های صالح» را پی‌ریزی می‌کند. او نه صرفاً «متصدی کارها»، بلکه «معمار روح و سرنوشت» است.

ما به‌عنوان اهل قلم و پیام‌آوران حقیقت، مکلفیم این پیام روشن را نشر دهیم: خانه‌داری و تربیت، نه کار کم‌اهمیت، که مقدس‌ترین رسالت اجتماعی و انسانی است — رسالتی که مبنای استحکام خانواده، سلامت جامعه و تعالی آینده است.

در صفحات این نشریه، با افتخار صدای زنانی را بازتاب خواهیم داد که با عزت، خرد و ایمان، خانه را مرکز اقتدار و امید ساخته‌اند؛ زنانی که نه تنها خانه را اداره می‌کنند، بلکه آینده را می‌سازند.

فهرست مطالب

زنی با هبارزه هنرمندانه

زن؛ آرامشی که از آغوشش فردا متولد می شود

از منطق مالکیت تا منطق محبت: باز تعریف رابطه زن و مرد در الگوی سوم

مقاومت فاطمی، راهبرد زنان فلسطینی

خانه داری؛ عبادت بی نام در محراب زندگی [مصاحبه]

حقیقت عظیم حضرت فاطمه زهرا(س) [معرفی کتاب]



در صورت عدم دفاع جدی و بی‌امان حضرت زهرا از ولایت امروز هرگز جریان دفاع از ولایت، به عنوان فریضه لاینفک انسان مسلمان به دست شیعیان نمی‌رسید. هرآنکه اقدام ایشان را به مسائل حاشیه‌ای تقلیل دهد، در حقیقت به شأن والای آن حضرت ظلم کرده است.

حضرت زهرا (س) ثابت کردند مبارزه، تنها محدود در میدان جنگ نیست؛ متناسب با شرایط و زمان گاهی در یک خطبه متجلی می‌شود و گاهی در سکوت. و گاهی در تشییع جنازه شبانه. درخواست اقدام تشییع شبانه از سوی حضرت نه صرفاً به نگرانی ایشان از دیده شدن حجم بدن مطهرشان، بلکه اقدامی کاملاً سیاسی و ماندگار در تاریخ بود. تاریخی ترین و سیاسی ترین مبارزه حضرت صدیقه طاهره درخواست برای تشییع مخفی و مخفی بودن مزار مطهرشان نمایان می‌شود.

شخصیت ممتاز او در ابعاد سیاسی، اجتماعی و جهادی، الگویی زنده برای همه مردان و زنان مبارز است. امروز و همیشه، همه ما مدیون زنی هستیم که در لحظه‌ای حساس، با مبارزه‌ای هنرمندانه، مسیر تاریخ را تغییر داد. جریان شیعه و آمیختگی آن به کنشگری سیاسی را متوجه تاریخ کرد.

زنی با مبارزه هنرمندانه



سرکار خانم زهرا غفور زاده

مسئول خواهران دفتر تحکیم وحدت

مبارزه، مهم‌ترین ویژگی انسان مسلمان است. روشن‌ترین جلوه آن را در زندگی کوتاه و پرمغز حضرت فاطمه زهرا(س) می‌شود مشاهده کرد. روش فاطمی، تنها یک الگوی تاریخی نیست؛ این روش در انقلاب اسلامی ادامه یافته و امروز این انقلاب میراث‌دار آن است. دختری که خود در قلب انقلاب پیامبر اکرم(ص) متولد شد، در آغوش پدری پرورش یافت که درگیر مبارزه عظیم جهانی بود و در لحظه لحظه مسیر مبارزات نرم و سخت پیغمبر (ص) این فاطمه (س) بود که نبی خدا را همراهی می‌کرد؛ و همسری مردی را قبول کرد که تمام زندگی‌اش جهاد فی سبیل الله بود. او بانویی است که تار و پود زندگی‌اش با مبارزه علیه طاغوت گره خورده است.

مکتب صدیقه طاهره این انگاره را یادآور می‌شود که انسان مسلمان نمی‌تواند از سیاست جدا باشد. به‌عنوان بانویی مسئول و آگاه به زمان، برای دفاع از ولایت امیرالمومنین(ع)، هرگز لحظه‌ای سکون به خود راه نمی‌دهد. حضرت زهرا (س) در راه پاسداری از حق و از بین بردن باطل تمام آنچه را در توان داشت به میدان آورد؛ در جایی خود یک تنه راهی مسجد می‌شود و آن خطبه تاریخی معروف به «فدکیه» را با صلابت قرائت می‌کند، جایی دیگر به عنوان تنها مدافع حریم ولایت به همراه فرزندان‌ش رهسپار درب تک‌تک خانه‌ها می‌شود تا آنچه را بعد گذشت مدتی کوتاه، مردم از یاد برده‌اند به آن‌ها یادآور شود، همچنین تمام این روحیه حق طلبی را برای فرزندان‌ش ترسیم می‌کند تا جلوه‌هایی از این روح سرشار را به آن‌ها منتقل کند، از دامان چنین مادری فرزندی چون حسن (ع) و حسین (ع) و زینب (س) که علمدار بیداری و حق خواهی در عصر خود هستند به ثمر می‌رسد. به تمام این موارد اقدامات دیگری به مانند سکوتی که خودش بیانیه اعتراض بود؛ و حتی درخواست تشییع جنازه شبانه که حرکتی کاملاً حساب‌شده و سیاسی برای محروم کردن غاصبان از سوءاستفاده‌شان بود را باید اضافه کرد. اینگونه مادر سادات شیوه مبارزه در لحظات مختلف تاریخ و متناسب با زمان را به ما یادآور می‌شود حضرت زهرا به همه تاریخ آموخت که در مسیر دفاع از حقیقت لحظه‌ای تعلل نباید به خود راه داد.



مدرسه‌ای که همیشه در حال ساختن است، حتی وقتی سکوت کرده باشد.

اگر بخواهیم نقش زن را در یک جمله خلاصه کنیم، باید گفت: زن همان جایی‌ست که جهان شکل می‌گیرد.

زن یک چراغ است؛ که نورش فقط چهاردیواری خانه را روشن نمی‌کند، بلکه از پنجره‌ها به بیرون می‌تابد و آینده را نورانی می‌سازد.

و در آخر، زن در هر فصل زندگی‌اش، منبع رشد و آرامش است.

۲. اولین کلاس درس، آغوش مادر

هیچ کودکی، ایمان را از کتاب شروع نمی‌کند. کودک، اولین درس‌های دینش را از نگاه مادر می‌گیرد. مادر، موعظه نمی‌کند؛ دین را زندگی می‌کند.

وقتی مهربان است، کودک معنای رحمان را می‌فهمد. وقتی راست‌گوست، کودک با صداقت آشنا می‌شود. وقتی صبور است، کودک صبر را نه در کتاب، که در عمل می‌بیند.

مادر، اولین مسجد کودک است؛ اولین معلم اخلاق، اولین کسی که ارزش‌ها را از کاغذ به زندگی تبدیل می‌کند. و همین است که یک جامعه دیندار، قبل از مسجد و مدرسه، از دامن مادر آغاز می‌شود.

۳. خانه‌داری، شغلی مقدس و سازندهٔ جامعه

خانه‌داری در نگاه سطحی، یک کار روزمره است؛ اما اگر از زاویه حقیقت دیده شود، یک رسالت تمدنی است.

خانه‌داری یعنی ساختن محیطی که در آن: شخصیت شکل می‌گیرد، آرامش نهادینه می‌شود، عاطفه تعریف می‌شود، و انسان‌ها تبدیل به انسان بهتر می‌شوند.

یک جامعه سالم، از آدم‌های سالم تشکیل می‌شود؛ و آدم سالم از خانه‌ای می‌آید که درست اداره شده باشد. به همین دلیل است که بزرگان دین، خانه‌داری را یک شغل معمولی نمی‌دانند، بلکه یک عبادت خاموش می‌دانند.

کاری که اسمش در هیچ جای دنیا نیست، اما اثرش در رفتار یک نسل دیده می‌شود.

۴. نقش زن در تربیت اسلامی و ساختن آینده

زن فقط فرزند تربیت نمی‌کند، نسل تربیت می‌کند! در نگاه اسلام، زن مرکز تربیت است.

زن اگر رشد کند، خانواده رشد می‌کند؛

خانواده اگر رشد کند، جامعه ساخته می‌شود.

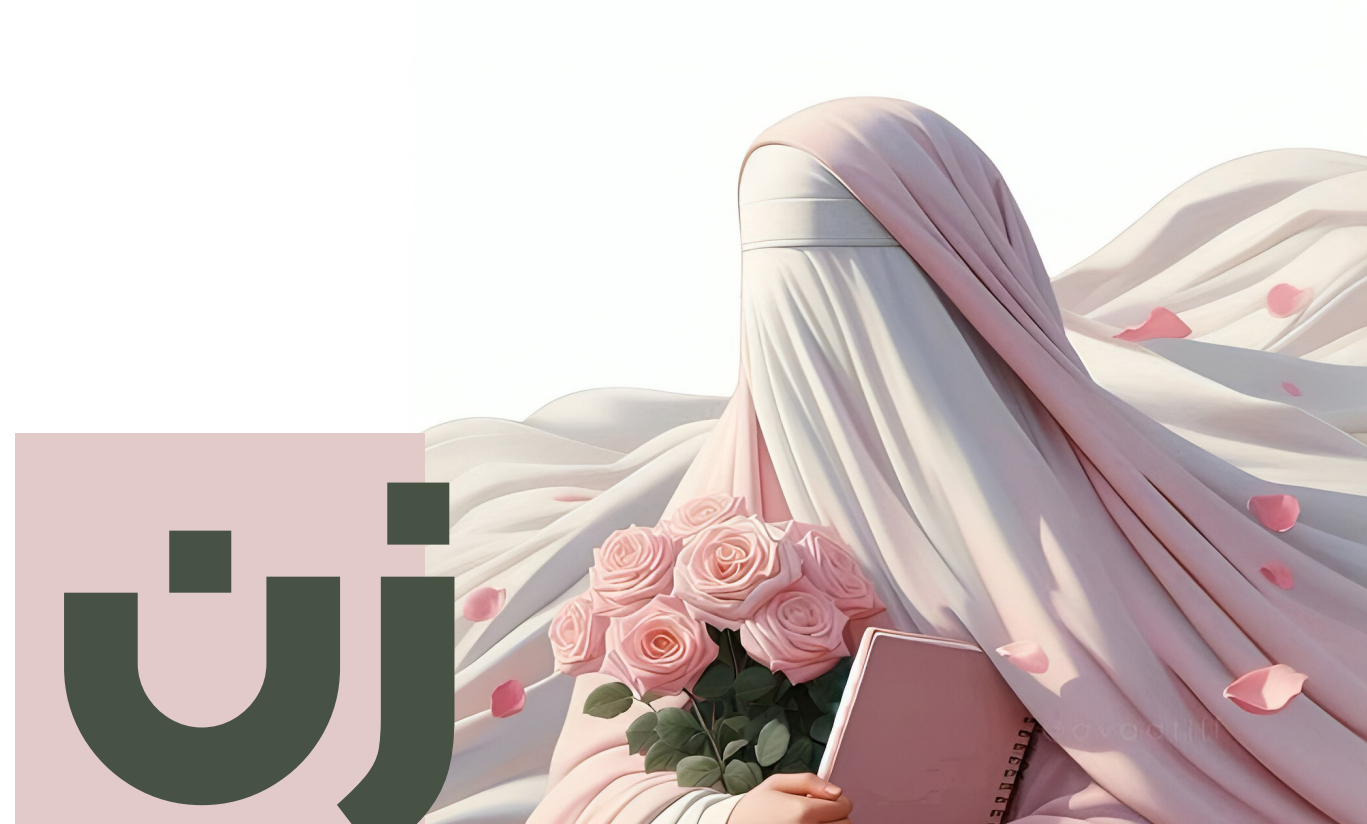
او در تربیت اسلامی این سه نقش اساسی را دارد:

۱. تبدیل باورها به رفتار

۲. تبدیل اخلاق به سبک زندگی

۳. تبدیل خانه به محیط رشد روانی و معنوی

این یعنی زن، یک مدرسه سیار است؛



آرامشی که از آغوشش فردا متولد می‌شود

سیده حدیث مصباح

علوم آزمایشگاهی مهر ۱۴۰۴



گاهی برای فهمیدن بزرگی یک نقش، لازم نیست سراغ کتاب‌ها برویم؛ کافی‌ست یک لحظه چشم ببندیم و به اولین تصویری فکر کنیم که از خانه در ذهنمان می‌آید.

اغلب ما نه سقف می‌بینیم و نه دیوار؛ بلکه یک چهره را به یاد می‌آوریم، یک لبخند و یک دنیا آرامش؛ مادرا!

خانه، قبل از اینکه یک مکان باشد، یک حضور است و خانواده همچون کالبدی می‌ماند که مادر به آن روح می‌بخشد.

او اولین معلم آرامش است، اولین نشانهٔ امنیت، اولین نسخهٔ عشق.

همین است که بزرگان ما، از دکتر شریعتی تا رهبران فکری امروز، وقتی از زن حرف می‌زنند، او را نه یک عضو خانواده، بلکه قلب تپندهٔ تربیت و انسان‌سازی معرفی می‌کنند. در این نوشته، قرار نیست از زن حرف‌های کلیشه‌ای و تکراری بزنیم؛ بلکه قرار است به چهار ساحت مهم نقش او نگاه کنیم. نقش‌هایی که اگر نبودند، نه آرامشی می‌ماند، نه تربیتی، و نه جامعه‌ای که بتوان به آن امیدوار بود.

۱. خانه وقتی خانه است که او باشد...

آرامش خانه با یک لبخند ساده شکل می‌گیرد؛ با قلبی که بلد است حتی میان سختی‌ها مهربان بماند. مادر همان قلب تپنده‌ای‌ست که فضای خانه را به آرامش پیوند می‌زند.

این آرامش فقط در لبخند نیست؛ در مدیریت تنش‌هاست، در فهمیدن بدون پرسیدن، در شنیدن آنچه دیگران از گفتنش می‌ترسند، در تبدیل آشفتگی به آرامش با یک جمله ساده:

«چیزی نیست، درستش می‌کنیم.»

این مدیریت عاطفه، یک تخصص است؛

تخصصی که زن آن را با قلبش یاد می‌گیرد و با خردش اجرا می‌کند.

خانه‌داری،

تنها فعالیت روزمره نیست؛

«سیاست عشق» است.

که زن با وقار و صبر

آن را اداره می‌کند.

ارزش زن در خانه

نه در کارهای آشکار،

بلکه در آرامشی است

که بی‌صدا خلق می‌کند.

از منطق مالکیت تا منطق محبت

بازتعریف رابطه زن و مرد در الگوی سوم



ریحانه شایان

پزشکی بهمن ۱۴۰۲

در جهان کنونی که خانواده به شدت تحت تأثیر الگوهای رفتاری متضاد قرار دارد، بازگشت به سرچشمه‌ای که بتواند هم انسان را حفظ کند و هم اخلاق و هویت جمعی را، ضرورتی عمیق‌تر از همیشه دارد. ما در برابر دو قرائت افراطی قرار گرفته‌ایم: یکی قرائت سنتی که زن را به حاشیه قدرت و معرفت می‌راند و مرد را مرکز تصمیم‌گیری و اقتدار می‌نشاند، و دیگری قرائت تجددگرایانه غربی که با ظاهری از آزادی، پیوندهای عاطفی خانواده را سست می‌کند و هویت انسان را در سطح لذت‌طلبی و فردگرایی رها می‌سازد. اما زندگی مشترک حضرت زهرا(س) و امیرالمؤمنین(ع) روایتی کاملاً متفاوت از این دو حالت است؛ الگویی که نه انزواست و نه اغوا، نه سلطه است و نه رقابت، نه انفکاک احساسی بلکه هم‌افزایی عقلانی و معنوی است. از دل همین تجربه حقیقی و قابل بررسی است که الگویی ظهور می‌کند که در این نوشتار از آن به «الگوی سوم» یاد می‌شود؛ الگویی که هم قابلیت نظری دارد و هم امکان تحقق عملی.

در این الگو، زن پیش از هرچیز موجودی کامل با کرامت انسانی است. قرآن وقتی تحت تأثیر الگوهای رفتاری متضاد قرار دارد، بازگشت به سرچشمه‌ای که بتواند هم انسان را حفظ کند و هم اخلاق و هویت جمعی را، ضرورتی عمیق‌تر از همیشه دارد. ما در برابر دو قرائت افراطی قرار گرفته‌ایم: یکی قرائت سنتی که زن را به حاشیه قدرت و معرفت می‌راند و مرد را مرکز تصمیم‌گیری و اقتدار می‌نشاند، و دیگری قرائت تجددگرایانه غربی که با ظاهری از آزادی، پیوندهای عاطفی خانواده را سست می‌کند و هویت انسان را در سطح لذت‌طلبی و فردگرایی رها می‌سازد. اما زندگی مشترک حضرت زهرا(س) و امیرالمؤمنین(ع) روایتی کاملاً متفاوت از این دو حالت است؛ الگویی که نه انزواست و نه اغوا، نه سلطه است و نه رقابت، نه انفکاک احساسی بلکه هم‌افزایی عقلانی و معنوی است. از دل همین تجربه حقیقی و قابل بررسی است که الگویی ظهور می‌کند که در این نوشتار از آن به «الگوی سوم» یاد می‌شود؛ الگویی که هم قابلیت نظری دارد و هم امکان تحقق عملی.

امام علی(ع) نیز در مقابل، مردی نبود که فضای منزل را میدان سلطه بداند. او از قدرت و شجاعت و حضور در میدان نبرد، هیچگاه برای تثبیت اقتدار بی‌پایه در خانه استفاده نکرد. این نکته ریشه در نگرش او به مفهوم خانواده دارد. او خانواده را نه محیط اعمال قدرت و فرمان‌دادن، بلکه میدان رشد انسان، آرمایش عواطف، تکوین هویت اخلاقی و تربیت نسل می‌دید. این نگاه سبب می‌شد مسئولیت‌های مشترک را بپذیرد. در روایت آمده که او در کار خانه کمک می‌کرد و حتی گاهی خرمایش را بر دوش می‌گرفت. این مسئله نه از سر کمبود شأن، بلکه از سر بزرگی شأن است. کسی که مفهوم مسئولیت را فهمیده باشد، آن را فقط در عرصه سیاست و اجتماع نمی‌جوید، بلکه در کوچک‌ترین رفتارهای



عاطفی در کنار همسر نیز می‌یابد. از سوی دیگر، محبت در این خانواده مبتنی بر هیجان گذرا نبود. عشق در این الگو، عشق عقلانی و معنوی است. عشق عقلانی یعنی عشقی که ریشه در کرامت دارد، عشقی که انسان را از سطح «داشتن» به سطح «شدن» می‌برد. وقتی علی(ع) می‌گوید: «به خدا سوگند او را به هیچ چیز خشمگین نکردم»، ما با مردی مواجهیم که خودآگاهی و اخلاق و رعایت کرامت دیگری را بر غرور شخصی ترجیح می‌دهد. این جمله به ظاهر ساده، بنیان یک نظام فکری است که در آن آرامش جایگزین رقابت، گذشت جایگزین سلطه، و همدلی جایگزین جدال می‌شود. در این خانه، تصمیم‌ها از مسیر گفت‌وگو می‌گذشت، نه از مسیر تحکم. این بدین معناست که ارتباط،

نمی‌شوند. هیچ‌کدام حذف نمی‌شوند. هیچ‌کدام ابزار دیگری نیستند. آنان در کنار هم قد می‌کشند و نسل بعدی را در فضایی از محبت عقلانی تربیت می‌کنند. چنین خانواده‌ای برای فرد آرامش می‌آفریند، برای جامعه تعادل و برای آینده امید.

آنچه در زندگی حضرت زهرا(س) و امام علی(ع) می‌توان دریافت، فقط مجموعه‌ای از رفتارهای شخصی نیست، بلکه نوعی دستگاه فکری و زیستی است که می‌تواند برای انسان امروز نیز راهگشا باشد. این نکته از آن جهت مهم است که گاهی تصور می‌شود آن زندگی منحصر به شرایط تاریخی خاصی بوده و قابلیت بازتولید در زمانه‌ی معاصر را ندارد، در حالی‌که اگر به عمق روابط انسانی آنان بنگریم، درمی‌یابیم که اصول حاکم بر

آن روابط از جنس اصول ثابت انسانی است: احترام، عقل، محبت، مسئولیت و عدالت. این اصول هیچگاه کهنه نمی‌شوند، بلکه با تغییر شرایط اجتماعی، خود را بازتعریف می‌کنند بی‌آنکه حقیقت خود را از دست بدهند.

برای نمونه، آنچه زندگی مشترک آن دو بزرگوار را قوام می‌بخشید، اصل «ادب» بود؛ ادبی که ریشه در ایمان داشت. ادب یعنی توجه به روح طرف مقابل، نه صرفاً رعایت ظاهر. علی(ع) هرگز فاطمه(س) را نرنجاند، و این تنها یک توصیف احساسی نیست، بلکه یک واقعیت اخلاقی و روان‌شناختی است. در زندگی امروز، بسیاری از تعارضات خانوادگی نه از مسائل بزرگ بلکه از بی‌توجهی‌های کوچک، تحقیرهای ناخواسته، لحن‌های نادرست و فرسایش عاطفی شکل می‌گیرند. اگر الگوی سوم را در این بستر تحلیل کنیم، درمی‌یابیم که ستون نخست آن ادب

عاطفی و ادب کلامی است. ادب، بنیان ارتباط انسانی است. خانه‌ای که ادب در آن حکمفرما باشد، حتی اگر دچار بحران‌های بیرونی شود، از درون شکسته نمی‌شود.

از سوی دیگر، در ساختار الگوی سوم، «عدالت» بیش از آنکه یک مفهوم حقوقی باشد، یک مفهوم اخلاقی است. عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیز در جای خود، نه تقسیم مکانیکی وظایف. وقتی علی(ع) در کار خانه کمک می‌کند، این کمک از سر ضعف یا از سر امتیازطلبی نیست، بلکه نوعی درک از عدالت است.

عدالت در خانه یعنی شناخت توانایی‌ها و محدودیت‌های یکدیگر. در الگوی سوم، تقسیم مسئولیت‌ها بر اساس توان و شرایط و وقت و ظرفیت روانی انجام می‌شود، نه بر اساس دستور اجتماعی یا کلیشه‌های جنسیتی. این نگاه، خانواده را به محیطی تبدیل می‌کند که در آن اعضا بتوانند رشد کنند، نه اینکه یکدیگر را فرسوده کنند.

برخلاف نگاه غربی که خانواده را یک پیمان موقت بر اساس لذت متقابل می‌بیند و برخلاف نگاه سنتی که آن را سلسله‌ای از فرمان و اطاعت می‌نگرد، الگوی سوم خانواده را پیمانی برای

«ساختن» می‌داند؛ ساختن شخصیت، ساختن اخلاق، ساختن تمدن کوچک که بعدها در تمدن بزرگ جامعه اثر می‌گذارد. این نگاه سبب می‌شود نقش زن و مرد از سطح رفتارهای تکراری روزمره فراتر رود و جنبه‌ی معنایی پیدا کند. در این نگاه، کمک کردن، گفت‌وگو کردن، گذشت کردن، صبر کردن، همه تبدیل به رفتارهای ارزشمند و رشددهنده می‌شود.

در این مسیر، الگوی سوم بر «رشد دوجانبه» تأکید دارد. رشد دوجانبه یعنی هر یک از زن و مرد در کنار دیگری فرصت

رشد معنوی و شخصیتی پیدا کند.

فاطمه(س) در کنار علی(ع) به بالاترین درجات معرفتی می‌رسد و علی(ع) در کنار فاطمه(س) نرم‌ترین و انسان‌محورترین رفتارهای روحانی را از خود بروز می‌دهد. این نوع رابطه سبب می‌شود که هیچ‌کس احساس حذف‌شدگی یا قربانی‌بودن نکند. ازدواج، در این تعریف، سکوی پرتاب است نه قفس یا قید و بند. همین معناست که از ازدواج یک «معامله» نمی‌سازد، بلکه یک «همسفری» می‌سازد.

وقتی این معنا به خانواده امروز منتقل شود، نتیجه آن شکل‌گیری جامعه‌ای با انسان‌های متعادل خواهد بود. انسان‌های متعادل کسانی هستند که نه دچار بحران هویت‌اند و نه گرفتار خودکم‌بینی. آنان در خانه یاد می‌گیرند

که مسئولیت یعنی عشق در عمل و عشق یعنی فهم دیگری. کودکانی که در چنین فضایی رشد کنند، نه نسبت به جنس مخالف خود نگاه تحقیرآمیز خواهند داشت و نه نگاه تهدیدآمیز؛ به‌جای رقابت جنسیتی، حس همکاری جنسیتی در آن‌ها شکل می‌گیرد. چنین جامعه‌ای، در آینده، کمتر دچار نزاع‌های جنسیتی و روانی خواهد شد.

در این میان، چیزی که الگوی سوم را متمایز می‌سازد، «معنویت» است. معنویت در اینجا فقط عبادات ظاهری نیست؛ معنویت یعنی معنابخشیدن به

زندگی، یعنی بالا بردن سطح فهم و عمق احساسات. معنویت مانند روحی در کالبد خانواده است. بدون معنویت خانواده شاید زنده باشد، اما بی‌روح است؛ شاید پایدار باشد، اما پویا نیست.

در زندگی زهرا(س) و علی(ع)، معنویت نیرویی بود که رفتارها را هدایت می‌کرد، اختلافات احتمالی را مدیریت می‌کرد و به



رضا همواره چهارمی

پزشکی بهمن ۱۴۰۳

مقاومت فاطمی

راهبرد زنان فلسطینی

در مطالعه تاریخ ادیان، تمدن‌ها و جنبش‌های اجتماعی، همواره نقشی بنیادین و تعیین‌کننده از سوی زنان دیده می‌شود؛ نقشی که نه تنها در ساخت زیربنای خانواده، که در شکل‌گیری جوامع، مقاومت ملت‌ها و انتقال ارزش‌ها به نسل‌های بعدی جایگاهی محوری داشته است. بررسی سیره تاریخی حضرت فاطمه زهرا(س) و مقایسه آن با الگوهای معاصر نظیر زنان مقاوم فلسطینی، امکان تبیین مدلی روشن از

محدود به خانه و خانواده تصور می‌شد. اما ظهور اسلام و شخصیت‌هایی چون حضرت فاطمه زهرا(س)، این تصویر را به‌کلی تغییر داد و زن را از موجودی منفعل، به عنصری توانمند و تأثیرگذار در ساخت تمدن تبدیل کرد. حضرت فاطمه(س) نمونه‌ای درخشان از زن مقاوم است؛ زنی که در سخت‌ترین بحران‌های تاریخ اسلام—از محاصره اقتصادی شعب ابی‌طالب تا حوادث پس از رحلت پیامبر(ص)—نقش‌آفرینی کرد

و با صبر و بصیرت خود توانست بنیانی فکری و فرهنگی ایجاد کند که تا امروز الهام‌بخش زنان مسلمان و آزادی‌خواه است. این الگو، مبتنی بر ترکیب بی‌نظیری از عقلانیت، ایمان، استقامت و حضور فعال اجتماعی بود؛ الگویی که امروز نیز در چهره زنان فلسطینی تکرار شده است. تاریخ نشان می‌دهد که زنان در بحران‌ها—چه جنگ، چه مهاجرت اجباری، چه فشارهای سیاسی—توانایی حیرت‌انگیزی در سازگاری، مدیریت بحران

و تبدیل تهدید به فرصت داشته‌اند.

در صدر اسلام، حضرت فاطمه(س) در دورانی که مدینه درگیر جنگ‌های متعدد بود و مسلمانان با فشارهای اقتصادی و سیاسی مواجه بودند، محور آرامش، استقامت و امید در خانواده پیامبر(ص) محسوب می‌شد. زندگی ایشان مملو از بحران‌هایی بود که هرکدام می‌توانست یک خانواده را فرو بپاشاند؛ اما شیوه تاب‌آوری فاطمی—ترکیبی از ایمان، تدبیر، صبر فعال و حضور مسئولانه—باعث شد خانواده‌ای تربیت شود که در سخت‌ترین جنگ‌ها مانند بدر، احد و خندق نقش‌آفرین بود و در برابر فتنه‌های پس از رحلت پیامبر نیز ایستادگی کرد.

امروز، همین تاب‌آوری در مراحل بحرانی را در زنان فلسطینی مشاهده می‌کنیم. زنانی که خانه‌های‌شان ویران می‌شود، کودکان‌شان آسیب می‌بینند، سال‌ها در اردوگاه‌های آوارگان زندگی می‌کنند، اما همچنان بنیان خانواده و روح مقاومت را حفظ می‌کنند. زنان فلسطینی در برابر محاصره، قحطی، قتل‌عام‌ها و جنگ‌های بی‌وقفه، با شجاعتی کم‌نظیر ایستاده‌اند و نه تنها در نقش مادر، بلکه در نقش کنشگر اجتماعی، خبرنگار میدان، امدادگر، معلم و حتی فرمانده مقاومت ظاهر شده‌اند. آنان با الگوی تاب‌آوری چندلایه—احساسی، روانی، اقتصادی و فرهنگی—توانسته‌اند یکی از پایدارترین حرکت‌های مقاومتی عصر مدرن را شکل دهند.

این نوع استقامت، وجه مشترک سیره فاطمی و تجربه زنان فلسطینی است؛ تاب‌آوری‌ای که تنها صبر منفعل نیست، بلکه نوعی «صبر انقلابی» و «ایستادگی فعال» است که دشمن را از درون فرسوده و جامعه را از درون قوی می‌سازد.

مقاومت نیاز دارند. زنان فاطمی، با تکیه بر ایمان و آگاهی، و زنان فلسطینی، با تکیه بر صبر، هوشیاری سیاسی و حضور اجتماعی، نمونه‌هایی الهام‌بخش‌اند که نشان می‌دهند زن می‌تواند نقش تعیین‌کننده در بقای هویت و فرهنگ جامعه داشته باشد.

مقایسه نقش زن در گذشته و امروز، نشان می‌دهد که هرچند امکانات زنان معاصر بیشتر است—از آموزش گرفته تا رسانه و حضور اجتماعی—اما چالش‌ها نیز پیچیده‌تر شده‌اند. جنگ امروز، تنها جنگ فیزیکی نیست؛ جنگ رسانه‌ای، جنگ شناختی، جنگ فرهنگی و جنگ اقتصادی نیز وجود دارد. زنان فلسطینی نمونه روشن زنانی هستند که در این جنگ چندلایه، هم در خانه و هم در میدان سیاست و رسانه، نقش‌آفرینی کرده‌اند. زنان امروز می‌توانند با الگوگیری از آنان، مهارت‌های تاب‌آوری روانی، مهارت مدیریت بحران، قدرت تحلیل اجتماعی و توانایی مقاومت فرهنگی را در خود تقویت کنند. مقاومت تنها جنگیدن نیست؛ گاهی بزرگ‌ترین مقاومت، تربیت فرزند مقاوم و متفکر است.

نقش زنان در مقاومت تنها در سطح خانواده یا جامعه کوچک محدود نمی‌شود؛ بلکه به‌طور مستقیم بر سیاست جهانی نیز اثر دارد. تاریخ معاصر نشان می‌دهد که تصاویر مادران فلسطینی که در میان ویرانه‌ها می‌ایستند، در افکار عمومی جهان نماد ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی تبدیل شده و توانسته افکار عمومی را علیه اشغالگری جهت‌دهی کند. مقاومت زنانه، قدرتی نرم ایجاد می‌کند که حتی دولت‌ها و ائتلاف‌های نظامی را تحت فشار قرار می‌دهد.

امروزه بسیاری از جوامع، چه در جهان اسلام و چه در سایر نقاط، با بحران‌هایی مانند فشار اقتصادی، جنگ رسانه‌ای، تضعیف نهاد خانواده و گسترش مشکلات فرهنگی مواجه‌اند. زنان به‌عنوان مؤثرترین عامل تربیت نسل جدید، بیش از گذشته به الگوهای

در سیره فاطمی نیز مشاهده می‌کنیم که خطبه‌های حضرت فاطمه(س) در مسجد مدینه، نه فقط یک اعتراض داخلی، بلکه حرکتی با تبعات سیاسی، اجتماعی و تاریخی عمیق بود؛ خطبه‌ای که نظم سیاسی زمان را به چالش کشید و مسیر تاریخ را تغییر داد. زن مقاوم می‌تواند معادلات سیاسی را تغییر دهد، زیرا از جایی قدرت می‌گیرد که نه از جنس قدرت نظامی است و نه اقتصادی؛ از جنس حقیقت، صبر، ایمان و عدالت‌خواهی است.

از همین‌جاست که امروز نقش زنان در جنبش‌های بین‌المللی آزادی‌خواهی، در اصلاح ارزش‌های جهانی و در پیوند ملت‌ها پررنگ‌تر شده است. مقاومت زنانه، به‌ویژه در فلسطین، نشان داده است که حتی دستگاه‌های بزرگ رسانه‌ای نیز نمی‌توانند جوامع را نسبت به حقیقت بی‌تفاوت کنند.

زن در هر دوره‌ای از تاریخ، ستون اصلی جامعه بوده است. از حضرت فاطمه زهرا(س) تا مادران فلسطینی، الگوی واحدی از «مقاومت آگاهانه» به چشم می‌خورد: مقاومتی که خانواده را حفظ می‌کند، جامعه را می‌سازد، سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نسل آینده را با روحیه عدالت‌خواهی و هویت قوی تربیت می‌کند.

امروز بیش از هر زمان دیگر، جوامع نیازمند چنین زنانی‌اند؛ زنانی که ریشه در سیره فاطمی دارند و شاخه‌هایشان در مقاومت معاصر فلسطین دیده می‌شود. این ترکیب تاریخی—معاصر، تصویری روشن از آینده می‌سازد: آینده‌ای که در آن زن، نه فقط سازنده نسل جدید، بلکه سازنده تمدنی جدید است.

زنان فاطمی، با تکیه بر ایمان

و آگاهی، و زنان فلسطینی، با

تکیه بر صبر، هوشیاری سیاسی

و حضور اجتماعی، نمونه‌هایی

الهام‌بخش‌اند که نشان می‌دهند

زن می‌تواند نقش تعیین‌کننده

در بقای هویت و فرهنگ جامعه

داشته باشد.

خانه‌داری؛

عبادت بی‌نام در محراب زندگی



سرکار خانم صفری عاشوری

دانشجوی دکتری مطالعات زنان و خانواده



در این قسمت از نشریه در خدمت سرکار خانوم عاشوری ـ دانشجوی دکتری مطالعات زنان و خانواده هستیم و قرار هست با توجه به بیانات اخیر رهبر انقلاب در باب کار خانه داری زنان، سوالاتی را از ایشان بپرسیم، باشد که این گفتگو و مصاحبه تاثیری هرچند اندک در ارتقای مقام زنان و جایگاه کار مقدس خانه داری داشته باشد.

۱. کار خانه داری و مراقبتی زنان چه نقشی در سلامت و انسجام خانواده دارد و چرا برخی کارشناسان آن را سرهایه اجتماعی می‌دانند؟

در رابطه با بحث خانه داری، ما وقتی که منظومه امامین انقلاب و همین طور بسیاری از اندیشمندان شیعه و مسلمان جامعه اسلامی را نه تنها در عصر حاضر بلکه در قرون قبل، بررسی می کنیم؛ تقریباً می شود گفت در اثری دیده نمی

شود کار خانه و خانه داری وظیفه مسلم زنان است و حتما باید این اتفاق بیفتد. در تاریخ غرب و شرق هم این تقسیم کار و وظایف بین زن و مرد وجود داشته است و مشاهده می شود که زنان خانه داری می کردند و مردان مسئولیت نان آوری خانواده را بر عهده داشته اند؛ اما تفاوت ما با آن ها این است که آن ها کار خانه را تکلیف و وظیفه زن می بینند در حالی که در تفکر اسلامی که برگرفته از سنت رسول الله(ص) است چنین چیزی دیده نمی شود که به زن کار خانه امر شود. حتی در سیره حضرت زهرا(س)، حضرت خدیجه(س) و حضرت زینب(س) و حتی امامین معصوم هم این موضوع دیده می شود که همسرانشان در عین حال که کار خانه را با جان و دل انجام می دادند و خود آن ها در این مسیر همراهی شان میکردند ولی به این نکته تاکید داشتند که آن لطف و محبت زن

است که او را به خانه داری، تربیت فرزندان و ایجاد فضای امن واداشته است. با توجه به اینکه زندگی خانوادگی در یک چهارچوب خصوصی به نام خانه نیاز به رفق و فتق امور دارد؛ حتی اگر فردی از اعضای خانواده این مسئولیت را عهده دار نشود نیاز به گرفتن کارگر خواهد بود. اما کیفیت این کار به اندازه کار مادر نمی شود چون با مهر و عاطفه و محبت همراه نیست. علاقه زنان به جزئیات باعث می شود کار خانه داری به عنوان یک روتین به مرور زمان عادی و خسته کننده شود اما همین مهر و محبت است که باعث می شود زن تلاش کند که همه اعضای خانواده به بهترین شکل ممکن زندگی کنند. و سرمایه اجتماعی از این باب است که خانه داری یک امنیت روانی و آرامش فکری را برای اعضای خانواده و حتی خود زن به ارمغان می آورد.

۲.

اگر مسئولیت های خانگی انجام نشود؛ چه هزینه های اقتصادی، روانی و اجتماعی برای خانواده و جامعه ایجاد می شود؟

درست است که بحث خانه داری با زن است اما در خانواده های مختلفی در سطح جامعه دیده می شود که تقسیم کار صورت گرفته است اگرچه بار اصلی روی دوش زن هست و اوست که مدیر داخلی خانه است.اما شعا می بینید که ما آقایان ایرانی داریم که در مقام همسر یا فرزند به خانوم خانه کمک میکنند. اما اینکه در هر خانواده چه مسئولیت هایی را گردن میگیرند تفاوت وجود دارد. با توجه به وضعیت اقتصادی و همین طور بحث تیمارداری و مراقبت از اعضای خانواده در هنگام بیماری ها مشاهده می شود با وجود اینکه هزینه های زیاد اقتصادی و روانی به خانواده وارد می شود؛ اما مادر خانواده حواسش به این ریز جزئیات هست و با فعالیت های چندقابله ای که اغلب در کشاکش هم هستند این شرایط را مدیریت می کنند.

در دیدار اخیر رهبر انقلاب هم ما دیدیم که حضرت آقا بیان فرمودند که در این شرایط اقتصادی باید از مدیریت زنان در خانه تشکر کرد چون ما اصلاً متوجه کم و کاستی ها و گذر امور نمی شویم و انگار نه انگار که مشکل اقتصادی و ... وجود دارد. زن همان نقطه ثقلی است که باعث توازن در خانه و خانواده می شود.

۳.

از منظر ارزشی و فرهنگی، چه شاخص‌هایی نشان می‌دهد که کار خانه‌داری صرفاً یک وظیفه روزمره نیست بلکه نوعی خدمت و ایثار است؟

ما بارها و بارها با این حدیث[المرأة الريحانة لیست بقهرمانة] مواجه شدیم



زن، خانواده و مهر از کوثر

و بارها مشاهده کردیم که حضرت آقا در مقام رهبر جامعه فرموده اند: زن کاردار منزل نیست، زن ریحانه است و نباید از او توقع داشته باشیم همه کارهای خانه را انجام دهد.

این زن اگر امورات خانه را انجام می دهد به این دلیل نیست که مسئولیت و وظیفه اش است بلکه از روی مهر و محبتی است که به خانواده دارد. چه بسا حتی اگر انجام هم ندهد، مواخذه ای در این دنیا و آخرت نخواهد شد چون وظیفه اش نبود و خلقتش این گونه نبوده است و آن لطافت روحی زن باعث شده است که یک گام بیشتر از مسئولیت و تکلیف بر عهدهرگذاشته شده اش انجام دهد. حتی اگر در سیره حضرت امام(ره) و امامین معصوم چون امام علی(ع) به وضوح این کمک به همسر دیده می شود. حتی حضرت امیر هنگام روزی رساندن به یتیمان کوفه، هنگامی که مادر یتیمان می خواست نان و غذایی بپزد خود را به او می رساندند و کمک شان می کردند.

و این قضیه نشان دهنده این است که وظیفه ای که زن در باب خانه داری انجام می دهد؛ صرفاً از روی محبت و ایثار و در جهت سالم ماندن خانه و خانواده می باشد.

۴.

چه مولفه‌هایی سبب می‌شود نگاه «تقدس‌آمیز» به کار خانگی، خانواده و جامعه را تقویت کند؟

یک بخش از این تقویت نگاه باید برای مردان ملموس شود. یک کاری که در این باب صورت گرفته است همین سخنرانی های حضرت آقا در سال های اخیر در روز زن بوده است که بارها و بارها این حدیث [المرأة الريحانة لیست بقهرمانة] را تکرار

کرده اند و همین طور که مشاهده کردید امسال ایشان گفتند که من عاهدانه این را تکرار میکنم تا مردها بدانند. و این تکرار باعث ارزشمندی این کار می شود. اگر خطبا و سخنران ها همین شیوه حضرت آقا را در پیش بگیرند در تثبیت این انگاره کمک میکنند. و یک پیشنهاد دیگر این است که در آموزش های قبل از ازدواج، این آموزش به آقایان داده شود که خود را در کارهای خانه شریک بدانند و در مورد تقسیم کارها حتی قبل از ازدواج صحبت صورت گیرد. این تجربه و لمس کردن هست که مسئله را برای آقایان قابل درک می کند و حتی این همکاری و مشارکت، صمیمیت را در بین زن و شوهر افزایش می دهد.

۵.

چگونه می‌توان تبیین کرد که خانه‌داری فقط یک کار تولیدی نیست، بلکه پرورش‌گر انسان و نسل آینده است؟

من فکر میکنم این موضوع تبیین شده است. در حال حاضر ما در جامعه افراد موفقی چون ادیسون و گراهام بل و دکتر قریب را می بینیم که از دامان یک زن خانه دار، رشد و پرورش پیدا کرده اند و همین طور مادران حضرت امام(ره) و حضرت آقا.

بنابراین با مطالعه تاریخ ما می بینیم که مردان و زنان بزرگ، دست پرورده زنان خانه داری بودند که آن مهر و عاطفه را در وجود فرزندانشان شکل می دهند. حضرت آقا یک تعبیری دارند که می گوید: زن با سرانگشتان نازک خودش، این رشته های ظریف عاطفه را در وجود فرزندش شکل می دهد و تقویت میکند. و ما این را در انسان هاب بزرگی می بینیم که به واسطه پرورش یافتن آن ظرافت های عاطفی، احساس می کنند که باید به

جامعه انسانی خدمت کنند و بر حسب استعدادهایشان این کار را انجام می دهند.

۶. در ادبیات اقتصادی وقتی از «اقتصاد مراقبت» صحبت می‌کنیم، به چه میزان باید به جنبه‌های معنوی و اخلاقی این نقش توجه کنیم؟

اقتصاد مراقبت در واقع آن مداخلات و رفتارهایی است که فرد انجام می دهد برای اینکه بخواهد از وقوع یک آسیب پیشگیری کند یا آن را رفع کند. زنان در خانواده نقش پررنگی در این قضیه دارند. می توان گفت زنان اولین کسانی هستند که در آسیب های اجتماعی چون اعتیاد و ... آسیب می بینند و بار مراقبتی و روانی آن را به دوش می کشند. و از این طریق آن هزینه های بلند مدتی که مبتلا شدن به اعتیاد می تواند برای دولت داشته باشد را می کاهند.

۷. قداست نقش خانه‌داری چگونه می‌تواند بر تربیت نسل آینده، فرهنگ خانواده‌داری و آرامش اجتماعی اثرگذار باشد؟

با توجه به اینکه جریانات فمنیستی با بحث خانه‌داری به شدت مخالف هستند و زنان خانه‌دار رو تحقیر می کنند؛ برای مقابله با آن ها و از طرفی ارج نهادن به این نقش مهم و هویت بخشی به زنان خانه‌دار یا بازخوانی هویت زنان خانه دار احتیاج هست که حاکمیت فعالیت جدی در این رابطه انجام بده که در راستای بازخوانی کرامت زنان خانه‌دار باشد. ببینید ما الان وقتی با زنان خانه دار صحبت میکنیم؛ یک احساس کعبودی رو در خودشان احساس میکنند و معتقدند که به من به عنوان یک موجودی که

صرفا میخورم و میخوابم نگاه میشود در صورتی که کلی کار میکنم خسته میشوم و بسیاری ازامورات میرسم. یک احساس خستگی و نارضایتی در زنان خانه دار ما هست که این خیلی خطرناک است. به نظر من این حتی در

یک سری از فیلم و سریال ها هم دیده می شود.به نظرم به طور جدی نظام حکمرانی ما پیرامون خانواده و زنان باید به زنان خانه دار توجه کند. در یک دوره ای سیاستمداران ما، به بیمه زنان خانه دار پرداختند که این اتفاق هرگز نیفتاد. ببینید خانه داری یک فعالیتی هست که زن بابت آن پولی دریافت نمیکند علیرغم اینکه میتواند تحت عنوان اجرالمثل این کار را بکند و بدلیل همان عشق و علاقه و مهر و محبت هست که کارش رو انجام میدهد. اما در نهایت با ناملایمت و نامهربانی مواجه میشوند. من احساس میکنم که نیاز هست که ما برنامه هایی مثل از مامان بگو که تا حدی به این قضیه پرداختند و همین طور فیلم و سریال‌های زیادی را بسازیم تا آن تصویر مخدوش شده این سال ها از خانه داری زنان رو اصلاح بکند.و اینکه ما تو برنامه های تلویزیونی خصوصاً گفتگو محورها از خانه داری بگیم و این از خانه داری گفتن رو سعی کنیم از زبان خود زنان خانه دار بگیم. چه اشکالی دارد گاها برای برنامه ای که پیرامون زنان خانه دار هست کارشناس یک زن خانه دار خبره باشد. من احساس میکنم که نیاز هست که ما یک بازنگری در نسبت با برنامه های فرهنگی مون، با خانه داری داشته باشیم.

اولا که جایگاه خانه داری رو چجوری نشون دادیم و بعد هم نیاز به اصلاح هست. من احساس میکنم اون نقطه آغازین این اصلاح، اصلاح اون تصویر ارائه

شده ای هست که از زن خانه دار داده میشود.چه بسا اگر این تصویر اصلاح بشود در نگاه مردان و خود زنان خانه دار و شاغل، خانه داری یک نقش مقدس محسوب میشود.

۸. سیاست‌های حمایتی دقیق از نقش خانگی زنان چگونه می‌تواند به رسمیت شناختن این منزلت کمک کند؟

بحث بیمه زنان خانه‌دار میتواند بحث مهمی در سیاست گذاری و حمایت از زنان و نقش‌های خانگی که دارند تلقی بشود.از طرفی یه نکته‌ای هست آن هم اینکه که ما حتی زنان شاغلما هم زن خانه دار محسوب میشوند؛ حتی خود فمنیست ها هم قائل به این هستند که خانه داری برای زنان شاغل، شیفت دوم محسوب میشود. و بخش قابل توجهی از زنان شاغل به دلیل اینکه تعام انرژی و وقت و زمان و آن حال خوب از اول صبح تا مثلاً پاسی از روز چه بسا تا عصر توی ادارهای که مشغول به خدمت هستند می‌روندو عملاً با خستگی فراوان به خانه برمیگردند. این در حقیقت خانه داری تبدیل به یک عذاب مضاعف میشود. من در واقع نکته‌ای که در نظر دارم این هست که قانون اشتغال ما در ایران خیلی ایراد دارد و مبنایی هم که چیده شده بر مبنای برابری است. یعنی ساعت های برابری زن و مرد در محیط کار فعالیت می‌کنند با این تفاوت که دریافتی شان یه تفاوت‌هایی با هم دارد به هر حال آقایون حق مسکن و ... دریافت میکنند و از طرفی آقایان وقتی برمیگردند خونه دیگر لازم نیست؛ تمام کارهای منزل رو انجام بدهند. ولی این خانمی که کارمند بوده است وقتی به منزل میرسد؛ باید تمام کارهای خانه را هم انجام بدهد

و عملا یک خستگی روحی فراوان برای زن به وجود می آید. آن چیزی که من احساس می‌کنم باید مورد تأمل قرار بگیرد؛ این هست که این قانون کار اصلاح شود. قانون کار ما چه بسا فمنیست پرور هست؛ چون دارد برابری رو یاد میدهد در حالی که ما بزرگترین آسیب برابری زن و مرد رو تو همین ساعت کاری برابر زن و مرد میبینیم. لذا من احساس میکنم که نیاز هست حاکمیت به طور جدی یه بازنگری روی قانون کار داشته باشد. قانون کار ما اسلامی نیست و باید به طور جدی روی این فکر شود که ساعت کاری خانم ها کاسته شود؛ اگر می‌خواهیم که در

حقیقت سیاست های حمایتی برای نقش های خانگی زنان بذاریم و به زنان شاغل هم توجه کنیم.

۹. چه اقداماتی لازم است تا ارزش معنوی و اجتماعی کار خانگی در رسانه‌ها و آموزش عمومی بیشتر بازتاب پیدا کند؟

بخش قابل توجهی از سینما، تلویزیون، فیلم و سریال‌ها، برنامه‌های گفتگو محور و فیلم‌های سینمایی مان، از این قضیه غافلند که کار خانگی، یک تاثیرات معنوی و اجتماعی قابل توجهی در جامعه دارد. سهراب سپهری یک شعری دارد با این مضمون که چشم ها رو باید شست،جور دیگر باید دید.به نظر میرسد که از سینما،تئاتر،تلویزیون،سینما خانگی تا مسئولین ارشدی که سیاست گذاری میکنند نیاز هست که که چشمانشان یک بار دیگه بشورند و یک جور دیگه نگاه کنند و همین طورفیلمنامه نویس های ما.شاید احتیاج هست که اصلا یک تحصیلات ویژه برای تولید و تهیه و پخش فیلم‌ها یا سریال‌هایی در نظر گ



رفته بشود که قهرمان قصه یک زن خانه‌دار هست. شاید نیاز هست که ما در واقع یک نگاهی هم از دریچه زن خانه‌دار به جهان داشته باشیم. ما خیلی وقت ها در تولیدات سیما زن خانه دار رو نادیده گرفتیم. حتی توی بازار نشر کتاب رو هم اگر بخواهیم به طور جدی نگاه بکنیم خیلی وقت ها زنان خانه دار نادیده گرفته شدند.منظورم این نیست که حتما ما بیایم مهارت های خانگی رو تبدیل به کتاب بکنیم و... آن هم خوب هست اما در جای خودش. اما اون چیزی که من منظورم هست اینست که مثلا رمان هایی که نوشته میشوند غالباً زن خانه دار در آن یک عنصر در حاشیه ای هست. مثلاً رمان های قدیمی ما مثل شوهر آهو خانم و... این مدلی بوده اند که زن خیلی فعال بوده است. ولی الان شما در بازار نشرکه نگاه بکنید میبینید که در رمان ها و داستان هایی که هست؛زن خانه دار خیلی دیده نمی شود.آن کسی که نقش پر رنگ رو دارد؛ یک خانم شاغل هست؛ چه بسا دختر خانواده هم هست، خانه داری هم نمیکند؛ چه بسا

کمک مادرش هم نمیکند. به نظرم نیاز به بازنگری جدی داریم در سیاست های فرهنگی مان.

فلان درصد جمعیت در واقع دخترانی هستند که اصطلاحاً مجرد قطعی هستند. خب ببینید اصلاً بحث مجرد قطعی یه اصطلاحی هست که نه تو دین قابل قبول هست و نه به لحاظ علمی قابل قبول هست. یعنی چه که ما میگوییم مجرد قطعی. این دختر دیگر امکان ازدواج ندار. اگر امکان ازدواج کلاً صفر است؛ چرا در قرآن گفته شده است که بی همسران را چه مرد، چه زن رو به ازدواج در بیارید. خب پس این یعنی که امکانش هست ولی شما به عنوان سیاستگذار که در رابطه با بحث جمعیت یک مسئولیتی گرفته است؛ نسبتی برای خودت با این قضیه مشخص نکردی؛ لذا تصمیم میگیری که بگویی مجرد قطعی دختران مثلاً ۵۰ ساله یا مثلاً دختران ۴۰ ساله، دختران ۳۰ ساله. خب من احساس میکنم که نیاز هست که سیاست گذار ما نسبت خودش رو در رابطه با زنان مشخص بکند و یک بازنگری جدی بر روی تفکرات خودش نسبت به زن داشته باشد. در معاونت امور زنان ریاست جمهوری هم تلاشی دیده نمی شود که فرضاً این بخش از ظرفیتی که از جامعه ما وجود دارد که میتوانند همسر شوند و بحث خانه داری رو داشته باشند؛ برای آن تدبیری در نظر گرفته شود. من احساس میکنم که زمانی این ارزش خانه داری و این ارزش حضور زن در خانه ملموس و عینی می شود که آن بحث ارزش ازدواج نهاده شده. یعنی مادامی که مثلاً ما یه بخشی از جامعه رو بخوایم محروم بدونیم از قضیه ازدواج و تشکیل خانواده؛ این به مثابه این هست که نقش های بعدی که دنباله این ازدواج برای اون زن به وقوع میرسد را نپذیرفتیم که بخواهیم تبدیلس بکنیم به ارزش.

برای همین میگویم که سیاست گذار ما نگاه خودش رو نسبت به بحث زنان باید اصلاح بکند. من احساس میکنم که نگاهش فاصله دارد با نگاهی که حضرت آقا نسبت به زن دارند و این اصلاً درست نیست.

۱۱. رهبری بارها هشدار داده‌اند که «نباید خانه‌داری کم‌ارزش جلوه داده شود.» چرا بخشی از جامعه و نخبگان هنوز این نقش را نادیده می‌گیرند و راه اصلاح این گفتمان چیست؟

به طور کلی ما اعوجاج‌های زیادی می‌بینیم بین نظرات نخبگان و سیاستگذاران در نسبت مسئله زنان و نگاه آقا. که من معتقدم نگاه آقا به بحث زنان نگاه کاملاً درستی است و درک درست ایشان از مسئله زنان هست که باعث می شود ایشان از کار خانه و خانه داری صحبت کنند. همین بحث مجرد قطعی را میبینید که یک اصطلاحات ساختگی که اصلاً نبوده و هیچ سنخیتی هم با دین و انقلاب ندارد مثل نقل و نبات از آن استفاده میکنند. برایش همایش می گذارند و خیلی موارد دیگر. خب طبیعی است که میگویند این قشر از دخترانی که به مجرد قطعی رسیدند؛ احتیاج به کار دارند. چون مردی نیست که هزینه هایشان را بدهد. لذا این ها را ما باید به سمت کار و اشتغال هل بدهیم. عدم به روز بودن سیستم دانشگاهی ما هم یکی از علت های دیگر است؛ یک توقعی که افراد دارند این هست که خب من تحصیلات عالی داشتم و باید یک تاثیر اجتماعی مثبت بذارم. بعضی افراد این تاثیر اجتماعی مثبت رو در شغل میبینند؛ بعضی افراد شاغل بودن را به این معنا می دانند که من باید در خارج از منزل

یک شغلی داشته باشم. در صورتی که مدل های مختلف مشاغل رو ما امروز در دنیا داریم. ما مشاهده میکنیم که بعد از دوره کرونا، فعالیت های سایبری و مجازی و کارها و مشاغلی مثل فریلنسری یا حتی کارآفرینی های مجازی که کسب و کارهای خانگی بودند؛ رونق گرفتند. احساس میکنم که سیاست گذاران، نخبگان و دانشگاهیان ما روی این قضیه خیلی عنایت ندارند.

۱۲. رهبری معتقدند که «زن نباید احساس حقارت کند اگر در خانه کار می‌کند.» چگونه می‌توان این اصل را در آموزش، رسانه و نظام ارزش‌گذاری اجتماعی وارد کرد؟

در رسانه، فیلم و سریال‌هایی داریم که زن خانه‌دار زنی هست که تحت خشونت خانگی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند حق خودش رو بگیرد و زنی هست که خیانت میبند و دستش به هیچ جا بند نیست. لذا ناخودآگاه یا خودآگاه آن حس رو به زن منتقل می‌کنیم که تو اگر میخوای گلیعت رو از آب بکشی بیرون و سرت رو کسی کلاه نذاره و از زندگی خودت مراقبت بکنی؛ باید حتما در واقع از این کار در منزل کنده بشوی؛ باید وارد جامعه بشی؛ من احساس میکنم اگر ما نگاه رسانه مان نسبت به زن را بتوانیم اصلاح بکنیم؛ خصوصاً فیلم و سریال های که میسازیم؛ می توانیم این تفکر را اصلاح کنیم. چون حتی بعضاً در انیمیشن هایی هم که ساخته میشوند؛ یک زن قهرمان یا مثلاً یک زن درجه یک، زنی هست که حتماً شاغل است؛ خب من دارم برای فرزندم علی الخصوص دخترم رویا سازی میکنم که تو اگر میخواهی یک انسان تاثیرگذار و عالی باشی. حتماً باید

شاغل باشی و از کار خونه بیای بیرون و اصلاً هم سمت ازدواج نروی. فمینیست ها علی الخصوص فمینیست رادیکال چنین تعبیری دارند که ازدواج و خانه داری و حتی مادری رو بعضاً یه بار و یک پابند برای زن می دانند و اجازه نمیدهند که زن رشد کند و این رشد رو در انجام کارهای غیر از خانه داری و غیر از نقش مادری و همسری می بینند. اصلاً ازدواج و مادر شدن از حقوق زن محسوب میشود. فکر می‌کنم در رساله امام سجاد (ع) نوشته شده باشد. هر زنی دوست دارد که این نقش ها را تجربه کند. در واقع هر زنی که در سلامت روحی و معنوی و جسمانی باشد دوست دارد این را تجربه کند.

۱۳. با توجه به تاکید رهبر انقلاب بر «حفظ آرامش و انسجام خانواده» به عنوان نقش محوری زن، پیام این نگاه برای حوزه اقتصاد مراقبت چیست؟

به نظر من مخاطب این صحبت خود خانم‌ها هستند. رفتارهای مداخله‌گرانه‌شان باید به چه سمتی حرکت بکند و چه نتیجه‌ای رو رقم بزند که منجر به حفظ آرامش و انسجام خانواده بشود؟ آن زن خانه دار باید توانمند باشد به لحاظ مدیریت و هم یک زن خانه دار باید به روز باشد و ما آیا مثلاً کارگاه یا کلاس هایی رو در این رابطه برای زنان خانه دار مان تدبیر کردیم؟ یک زن خانه دار نباید متهم به این بشود که چون در خانه هستی به روز نیستی و نعیدونی بیرون چه خبره!! خب این کم کاری از کجاست؟ کم کاری به نظر من از طرف نهادهای فرهنگی هست. ما میگوییم کرامت زن باید حفظ بشود. این زن شامل زن خانه دار هم هست. اینکه یک زنی،

به دلیل خانه دار بودنش، متهم بشود؛ به اینکه اطلاعاتش کم است؛ به نظر من ظلم و جفایی هست که در حق اون زن شده است و باید تدبیر شود که حتماً یک سری کارگروه‌هایی برای زنان خانه دار و مهارت افزایی شان و توانمند سازیشان تشکیل بشود که این زنان بتوانند به راحتی

در محیط خانواده، تحت عنوان یک مشاور عالم، که خیلی باسواد و کاردان هم هست و توسط اعضای خانواده به حساب میاد و جایگاه خودش رو یه جایگاه بزرگ و بالایی هست رو داشته باشد، نفوذ داشته باشد و کلامش و رفتارش اثر داشته باشد؛ قدرت اثر رو بهش بدهیم.





زهرا قرقانی

پزشکی بهمن ۱۴۰۳

گاهنامه تخصصی حوزه زنان
شماره دهم

۱ **اولین حق زنان، عدالت در رفتار اجتماعی و رفتار خانوادگی است.**

۲ **زن در خانه گل است؛ کارگزار خانه نیست. گل را باید مراقبت کرد.**

۳ **رسانه‌های ما مراقب باشند تفکر غلط سرهایه‌داری غرب درباره زن را ترویج نکنند.**

۵ **زن ایرانی؛ خط‌شکن جنگ روایت‌ها**

۷ **حمایت رهبر انقلاب از بانوی ملی‌پوش «هوی‌تای» در مسابقات کشورهای اسلامی؛ «سلام و تشکر مرا برسانید و بگویید: از طلا برتر، همت و تلاش و ایمان و اعتقاد به نفس شجاست دخترم.»**

۹ **زن می‌تواند در همه عرصه‌های زندگی فعال باشد.**

۱۱ **عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مرد‌ها را، هوس‌هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است.**

۱۳ **در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «اِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ» زن‌ها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند.**

۴ **تأثیر عمل صالح و ایمان در مرد و زن یکسان است.**

۶ **جامعه، نیازمند تحصیلات دختران**

۸ **برابری امتیازات حکومتی با مردان، مثل حق بیعه برای زنان شاغل، بیعه زنان سرپرست خانواده، هرخصی ویژه زنان و...**

۱۰ **زن بودن، برای زن یک ارزش والاست؛ یک اصل است. به هیچ وجه تشبه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی‌آید.**

۱۲ **یکی از نشانه‌های مردسالاری غربی‌ها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است.**



یگانه کشتکار

پزشکی بهمن ۱۴۰۲

حقیقتِ عظیم حضرت فاطمه زهرا(س)

این کتاب مجموعه‌ای از بیانات و دست‌نوشته‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در روز ولادت حضرت زهرا(س) در سه دهه متوالی است.

از جمله موضوعاتی که در این کتاب گردآوری شده؛ «ابعاد زندگی، فضایل عملی، مقامات معنوی، شخصیت اجتماعی-انقلابی و فردی حضرت زهرا(س) و همچنین وظایف ما نسبت به ایشان و ارتباط انقلاب اسلامی و حضرت فاطمه(س) و زن از دیدگاه اسلام و غرب» است.

در این کتاب به خوبی هویت انقلابی حضرت زهرا(س) در کنار ویژگی‌های خاص و همدلی و همراهی بی‌نظیر با امام علی(ع)، هم به عنوان همسر و هم به عنوان امام زمانه‌ی خود بیان شده است.

به طوری که در این کتاب از حضرت زهرا به عنوان اولین انقلابی شیعه یاد شده

است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«همچنین به عنوان مادر و همسر، فاطمه زهرا (س) یک زن اسلامی است، زن در بالاترین تراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، اقا همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می‌توانست پیغمبر باشد، همین زن مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند؛ اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافلِ حرف‌های پوچ غربی‌ها، نباید این‌قدر خانه‌داری را تحقیر کنند. معنای خانه‌داری زن؛ تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر.»

همچنین در این کتاب بیان شده که؛ این زن جانش را فدا می‌کند برای اینکه حکومت به نااهل نرسد. اگر فاطمه زهرا (س) زنِ امیرالمؤمنین (ع) هم نبود، قضیه همین بود؛ از شوهرش دفاع نمی‌کرد از زمامدار به‌حق دفاع می‌کرد. مسئله زن و شوهری نیست؛ مسئله وظیفه است؛ مسئله هدف است.

و به عنوان همسر این زن جوان یک بار به شوهرش گفته خسته شدم؛ یک بار نگفته بس است این همه جنگ و مجاهدت و تلاش. و این بسیار با عظمت است. یک بار خم به ابرو نیاورده؛ یک بار رو تُوّش نکرده؛ و این گرمی سخن و گرمی پذیرش زهرا (س) موجب آن بوده است که امیرالمؤمنین (ع) گرم‌تر و مصمّم‌تر بشود و جهاد علی تکمیل شود به جهاد زهرا (س).

و در نهایت باید گفت:

میدان، میدان امتحان است؛ میدان کارِ تصادفی نیست؛ میدان امتیاز دادنِ بی‌خودی نیست. خدای متعال بی‌خودی به کسی امتیاز نمی‌دهد. این جوهر، این

اراده قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه زهرا (س) کار را به آنجا می‌رساند که او سنگ العاسی می‌شود که همه این چرخ‌ها بر روی آن می‌چرخد. دشوارترین چرخ‌ها را باید بر روی سخت‌ترین پایه‌ها و قاعده‌ها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحان‌های دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه زهرا (س) بوده است. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریّت را نجات دهد. فاطمه زهرا (س) فرشته نجات انسان‌ها در طول تاریخ است. برای همین هم هست که ائمه (ع) این‌قدر برای آن بزرگوار تکریم و حرمت قائلند و نسبت به او اظهار خشوع می‌کنند.و برای زندگی کردن قطره‌ای از این دریای عظیم خوب است پیرامون سیره زندگی آن حضرت مطالعه کنیم و تلاش کنیم تا حد امکان از این دریای عظیم الگو بگیریم.



«الْعَرَّاءُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِفَهْرَمَانَةٍ»

زن در خانه گل است؛ کارگزار خانه نیست. گل را باید مراقبت کرد.

[مقام معظم رهبری ۱۴۰۴/۹/۱۲]